**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه یازدهم\_13 آبان 1398**

در ادامه بیانات آیت الله شبیری ایشان دو نکته داشتند:

1. اگر مستند ما بر حجیت خبر واحد اخبار باشد می توان گفت خبر واحد حجت است حتی اگر مفید اطمینان نباشد و شاهد علی ذلک اخبار علاجیه است که اخبار علاجیه چه آنجا که دال بر ترجیح است، و چه انجا که دال بر تخییر است، ما چه ترجیح بدهیم یک روایت را بر روایت دیگر؛ چه تخییر؛ اطمینانی نداریم ولی در عین حال به روایت باید عمل کنیم حال یا به آنی که ترجیح دادیم و یا به ان چیزی که تخییر داشتیم و مخیر بودیم.

این مطلب اول ایشان.

این که عرض می کنم که نمی فهمم مراد چیست از این جهت است که باب خبرین متعارضین را نباید با اخبار آحاد دیگر مقایسه کرد، در خبرین متعارضین، تعارض فرع حجیت و صدور است، تعارض بین دو روایتی است که حجت بر صدورش داشته باشیم و لی ندانیم کدام است، تعارض از نظر کسی که در اعتماد به خبر واحد بحث اطمینان را مطرح می کند، معنایش این است که دو تا روایت داریم که اطمینان داریم که هر دو از امام صادر شده است نمی دانم کدام است الان وظیفه من کدام است. هر کدام از این ها لولا دیگری حجت است . هر کدام از این ها به تنهایی حجت است و اطمینان به صدورش دارم پس در تعارض اطمینان هست. شما نمی توانید عنصر اطمینان از خبرین متعارضین بگیرید. فقط بحث این است که دو خبری که اطمینان به صدور هر دو دارید ولی نمی توانید به هر دو عمل کنید حال چکار کنیم؟ ربطی ندارد اخبار علاجیه به این که اطمینان معتبر نیست.

چنان که در مباحث حجیت خبر واحد گفتیم، تمام ادله حجیت خبر من الآیات و الروایات و قدر المتیقن من الاجماع و نیز سیره عقلاء همه اش بر فرض دلالت جایی را می گوید که وثوق و اطمینان به صدور باشد، کما صرح به الشیخ الاعظم اعلی الله مقامه.

1. مطلب دوم ایشان این که در اعتماد به تراث رجالی شارع مقدس ظنون رجالی معیار قرارد اده است. فرمایش ایشان این بود که شارع فرموده است صدق العادل و این این صدّق العادل همان هم برای یک زمان و دو زمان نیست. چه آن جا که شما از راوی بلا واسطه خودت می شنوی و چه انجا که با واسطه است پس معلوم می شود من همیشه باید حرف عادل را بشنوم. حکم ما به وجوب تصدیق عادل متفرع بر این است که عادل را بشناسم. زمان گذشته عادل را می توانستم از روایت بشناسم اما این تکلیف برای الان من هم است. اگر من الان باید عادل شناس باشم و راه شناخت عادل همین کتاب های موجود رجالی است . چیز دیگری ندارم دیگر پس معلوم می شود ظنون رجالی حجت است به عبارت اخری شما هیچ وقت اطمینان بودن به ثقه بودن بعض روات بدست نمی آورید. اما اکثر روات که این گونه نیستند که ادم های مشتهر باشند راهی ندارید که به کتاب رجال مراجعه کنید. اگر ظنون رجالی حجت نباشد ان صدق العادل دیگر معنا پیدا نمی کند.

عرض ما به محضر مقدس ایشان این است که این فرمایش درست است اگر ما راه های دیگری برای شناخت روات نداشته باشیم. ما قبول داریم که کتب رجال یکی از مهم ترین منابع برای شناخت رجال است اما کافی نیست شما می توانید با تتبع در اسناد روایات به جایگاه روایی یک شخص پی ببرید. می توانید با دقت در مضامین روایات او به طرز فکر او راه پیدا کنید. می توانید به اعتمادو عدم اعتماد بزرگان به چنین راوی در فقه یک قرینه برایش قرار دهید. خود این بزرگوار دامت برکاته، برخی از روات را مثل محمد بن خالد و دیگران توثیق می فرماید، نه به دلیل توثیق نجاشی می فرماید به دلیل روایت اجلاء از او. این همان چیزی که گفتم با دقت در سند. می فرماید روایت اجلا مستقیم از او دلالت بر وثاقت است.

می فرماید این که جز مشایخ اجازه باشد کسی او ار بی نیاز از توثیق می کند. احمد بن محمد بن یحیی جز مشایخ است و توثیقی هم ندارد ایشان می فرماید نیازی ندارد. پس چرا ما بیاییم فقط توثیقات رجالی ظنونی است قابل قبول بیاییم این گونه بگوییم که شما راه اطمینان به وثاقت و عدم وقاقت بسیاری از روات را دارید. راه اطمینان پیدا کردن به شناخت روات را دارید و راه منحصر به رجال نیست که بگویید شم رجالی کافی است . این جا هم می توانید به ظنون عمل کنید و در تراکم ظنون هم از قول رجالی استفاده کنید. نتیجه این که اگر هیچ قولی نبود به جز قول نجاشی که ثقة ما این را نمی توانیم بدون قرائن دیگر. راه اطمیینان به عمده راوی شناسی باز است و ما به این تعبیر می کنیم به یک انفتاح در عین اضطراری و یا بگو یک انفتاح اضطراری. انسداد است چون واقعا که شما نمی توانید دو شاهد اقامه کنید که مثلا فلان راوی 1400 سال قبل ثقة. اما آیا راه دیگری غیر از نظر نجاشی و شیخ نیست؟

این تمام بحث در مقدمه اول.

نتیجة الکلام اینکه باب علم و علمی در عصر غیبت حضرت طبق نظر انسدادی بسته است. اما طبق نظر اضطرار مهم برای ما چه در تراث رجالی و اسناد روایات، چه در خود روایات اطمینان است؛ اطمینان شخصی و در موارد زیادی این اطمینان حاصل می شود به صورتی که اگر موردی اطمینان پیدا نشد و رجوع کردیم به اصول عملیه مشکلی نداریم. ان چه مشکل ساز است اینکه در معظم ما به اصول مراجعه کنیم پس اگر شما معیارتان برای اعتما دبه یک روایت معیار معروف و مشهور رجالی باشد، اطمینان به صدور به تنهایی پیدا نمی کنید اما اگر گفتید خبر واحدی حجت است که اطمینان به صدور پیدا کنید و راه اطمینان به صدور را توسعه دارید به جهت دور بودن از منبع عصمت سراغ ظنون هم رفتید اما نه اینکه هر ظنی را معیار قرار دادید بلکه ان را در مجموعه قرار دادید و از باب تراکم ظنون اطمینان پیدا کنید.

این می شود خلاصه مقدمه اول باب انسداد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.